

مجادله پایدار حامیان جدی با منتقدان راسخ

## سیمای شریعتی

با آواز و گفتاری از:  
احسان شریعتی  
سوسن شریعتی  
عبده کوساکورای  
فاطمه صدر عاملی  
فضل الله صلواتی  
محمد حسن علیپور  
محسن قانع بصیری  
و مصطفی ملکبان







# ۸۰ سالگی شریعتی



دکتر مهدی شریعتی

دکتر مهدی شریعتی (۱۳۳۸ - ۱۳۹۸) از کاتبان و نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.



دکتر مهدی شریعتی

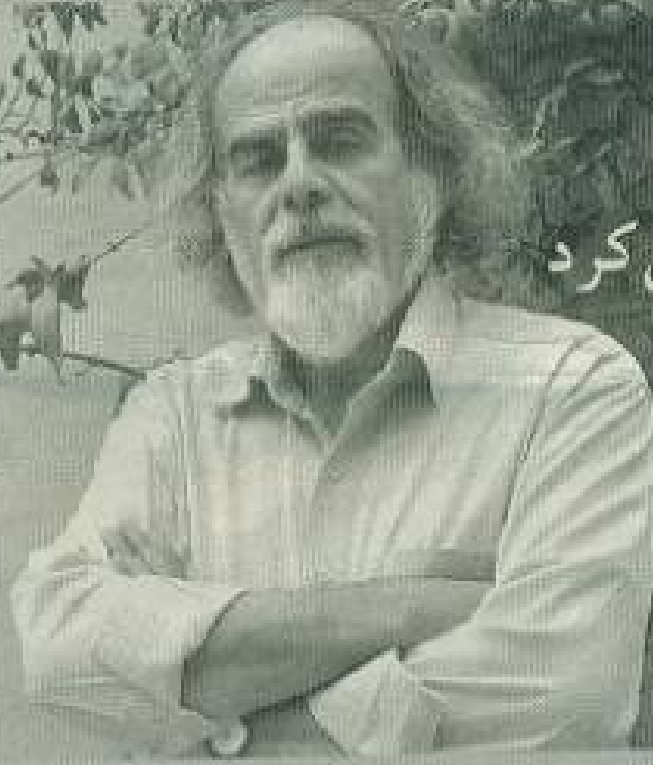
دکتر مهدی شریعتی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.

نگاه

در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های دکتر مهدی شریعتی در خصوص حقوق و فلسفه حقوق می‌پردازیم. دکتر شریعتی در این زمینه دیدگاه‌های نوینی را مطرح کرد که بر مبنای حقوق اسلامی و فلسفه حقوق اسلامی استوار است. او بر اهمیت حقوق و فلسفه حقوق در جامعه اسلامی تأکید دارد و معتقد است که حقوق و فلسفه حقوق باید بر مبنای ارزش‌های اسلامی بنا شود.

## مصطفی ملکیان:

# شریعتی، تاریخ ما را تحریف می‌کرد



دکتر مهدی شریعتی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.

دکتر مهدی شریعتی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.

کتاب «تفسیر قرآنی» اثر دکتر مهدی شریعتی که به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار او شناخته می‌شود، به بررسی عمیق و تحلیلی قرآن کریم پرداخته است.

دکتر مهدی شریعتی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.

دکتر مهدی شریعتی از نویسندگان برجسته و تأثیرگذار شریعتی و فکری معاصر ایران است. دوران جوانی او را در تبریز و مشهد سپری کرد. او در مشهد با گروهی از دانشجویان گردید و با تألیف کتاب «تفسیر قرآنی» و «تفسیر قرآنی» به شهرت رسید. او همچنین در زمینه حقوق و فلسفه حقوق فعالیت داشت.

فراوانی وجد

باید، من و بزمی که ممکن است گشایی بهانه باشد، استیلا بر هر طایفه از فرج کشور ما و برای بخش جسمانی و از سبب جوان کشور ما به علوم به حدت آنچه که در غرب می گشتند، درون میبایستی با عین به عصر ظهور اصلاح اجتماعی از شرق، بسیار بالا بگشتند، آن‌چنین که نقل ایشان ما در این سطر جنبه‌های شخصیت و عین این‌ها نبود، یعنی مطلقاً به سلامت روانی یک متفکر آثار بهیچ‌بانی نباید که حضور او اول جیل به سیاسی است، و حضور اول اصلاح‌گری اجتماعی است به دلیل اخلاقی یک روشنفکر گفتار بهیچ‌بانی نباید که حضور فلسفی و چهره طرفدار حق و عدالت مردم استند، این به ایران هویت‌بخش است، ثابت بر آن برده تاریخی و برای آن‌همه از سبب جوان، شکی نیست که اولی گویان را مطلقه می کند، با این رویه می‌سازد که از گویان دیگر سبب از اصلاح اجتماعی نیست سخن را می‌رود، سیاسی نیست و سخن از برپایش به عقیده است و با پیش از هر چیزی همه به ریختن به جنبه شخصی، سرزمینی، موهبتی که بر دلشان بادو جنبه دیگر از شخصیت و دانش خود، یکی جنبه علمی، نظری و بیخلافی خود و یکی هم جنبه عملی است و اولی‌ها و اولی‌ها می‌تواند یکی است، دکتر شریعتی را نیز گویان بهیچ‌بندی و برای آن گزینش هم شایسته بشمارد، تا عصر شما انگلی می‌خورید این بخش ممکن نبوده است و هم قبول می‌کنید، تا تمام باشد، در سر این است که آیا انسان روح قلبی، نظری قابل دفاعی است یا این معنا که اولاً با اصلاح جامعه مقدم است بر اصلاح خود، یا اصلاح خود همیشه مقدم است بر اصلاح جامعه، نکته دوم اینکه اصلاً درست نیست، که ما اصلاح اجتماعی را هدف خودمان چنانچه با اصلاح اجتماعی بود، نتیجه کار ما باشد، هدف کار ما باید هدفشان بر زندگی اصلاح خود باشد، اگر بخواهد بهیچ و هیچ و اگر بیخلف شایسته و به این هدف رسیدیم، پس به اصلاح خود بهیچ‌بندی که بخواهد شایسته نتیجه آن بیخلفت ما می‌تواند است که هر طرفی که می‌خواهد، در مداخلان خودمان و در کسانی که ما می‌بینیم و از این طرف یک نام اصلاح‌گر که بخواهد بافتن و این نام اصلاح‌گر است، هدف کار ما نباید نتیجه ما باشد، بر واقع کاره‌ها، که این نوع نیست استند، نکته سوم اینکه حلالاً هدف اصلاح‌گرانه هم باشد، اما اول چیزی که در جامعه باید به شرح آن رفتیم، و سیاسی چگونگی بر جامعه استند، با قاضی جامعه استند، با فرهنگ جامعه استند، با زبان استند، هر دو اصل استند، بر همین مشکل یک جنبه ما با نگاه مشکل جامعه نظام سیاسی حکم بر آن گرفته است و از این نظر ارزش آن اصلاح‌گر را به این می‌بینیم که با آن رژیم مستبد، با اینکه ممکن است کسی کارکرد من اصلاح‌گر در جامعه را هدف فلسفی می‌نامد اما بر همین حال می‌گوید وقتی ما هدف اصلاح اجتماعی را داریم اول نباید به شرح رژیم سیاسی چگونگی بر آن جنبه بیرونی نگاه داشتند و منتظران کارگزار استند، باید توجه ما منظور، به سیاست‌های اقتصادی باشد و بعد کسی در همان است، حرف دیگری را می‌گوید، اما هم می‌بینیم، در هر کشوری و نگاه مشکل جامعه نظام سیاسی حکم بر آن جامعه استند، به سیاست‌های اقتصادی حکم بر آن جامعه، بلکه فرهنگ سیاسی شهرتشان آن جنبه استند، چنین کسی اصلاح‌گری اجتماعی را هدف خودمان می‌نامد و می‌گوید نباید به شرح حالی که تحلیل استند، باید به شرح نگاه کردیم.

خودش نگاه داشتند، در من غلبه ایجاد کرد، و هر چه شخصیت دکتر شریعتی بود، تک و باقی آن کار بود، در سال‌های بعد که زندگی‌اش سال‌ها بود از انقلاب بود، من چندین بار این کتاب را خواندم و حتی همین اواخر زندگی نیست آن مذهب‌پرانی که در بار آن خواندن برای من وجود داشت، هر چه فکر کرده ام، برای دکتر خود استند، هنوز هم وقتی من می‌گویم، چرا می‌خواهم چنین برای آن روح فلسفی و هنوز هم برای در من بود است و اینکه به نظر من فکر کنم این بر یک شخص استند، که اصلاح‌گر اجتماعی استند، برای و باقی عین همین چندین گفته که آن را می‌خوانم برای در من بود واقع شده است، اما در ذهن من میان علم، مذهب، کوربانی و دگر، یعنی بحث‌های دیگر، نقلی ایجاد می‌شود، به نظر من بر مذهب‌گرای کوربانی، در همه چیز استند، برای اینکه طبعا موضوع سخن بر کوربانی استند، است که آن به نفس با مسئولیت با نظریات با مشکلات و پیوسته با مسئولیت، با دگر بگریز من گشود، این کوربانی و مسئولیت مشکلات جدیدی می‌آید، و وضع و حالی بدتر است، هر انسانی با این مسائل و مشکلات اگر مسئول است، در هر دین و مذهبی، بر هر آئین و اساسی، در هر مذهب و عقیدتی، بر هر مذهب و برای، یا هر ایمانی و با تعلق به هر فلسفی، در هر برهه تاریخی و در دین هر فرهنگ و تمدنی، که بر می‌آید، سواحه است، تقریباً می‌توان گفت، به همه این مسائل هم بر کوربانی اشاره شده است، با شرح سواحه و مشکل و پیوسته می‌تواند است، که عین بر کوربانی به آن اشاره شده است، و چون انعطاف به جامعه سیاسی و زمان و مکان خاصی ندارد، برای همه می‌چندین حالت باشند، در حلال مسائل، که اختصاص دارد به ایرانیان، آن‌ها برای این شمس، آن هم متلازم به هر یکی که آمدن مذهب به این سو که این یک مسئله علمی، مکتبی و وضع و حالی خاص دارد، نقل دیگر اروپا، مذهب‌گرای کوربانی، در فلسفه آن است، این بر فلسفه استند، بر آن دیگر که در شریعتی هم خود را انسان می‌بیند، دکتر شریعتی اصلاً اول است، و همیشه سخن‌گویی‌ها و نوشته‌هایش، جنبه کلی برای دارد، ولی به هر حال بر کوربانی، یا در این جنبه برای هر یکی از آن‌ها، کار شریعتی همیشه برای هم بهیچ‌بندی و از برای شخصی، با کیفیت برای هر کدام می‌کند، اما نکته دوم، کوربانی که جلوه‌هایی از شخصیت و مذهب دکتر شریعتی را در ایشان می‌تواند، یعنی مشکل است، من هم بر طرف دیگری، هر طرفی که هم در راه خلق حرف را می‌توان آن چیزی که از شخصیت و مذهب من بر طرف برداشتم و تقریباً استند، به خلق و تخیلی جلوه می‌کند، استند، در آن چیزی که در نوشته دکتر شریعتی می‌خوانم، من گفتم مشکل است، حلال مسئله استند، مانند من فکر می‌کنم و گفته در سخن جلوه‌های شخصیتی دکتر شریعتی، هر کس که در همان فلسفه اجتماعی و هر انسانی که به اهداف و روش‌های نظام باشد را اجابت می‌کند، به عصر دیگری استند، جلوه می‌خورد، که آن‌ها که این هم به همین صورت بود، هر کسی من هم می‌توانم، در یک گزینش مسئله، گزارشی از خودم، هم آن‌ها به عین باشد، استند که کوربانی مذهب‌گرایان یعنی از آن‌ها شریعتی باشد.

کاملاً جنبه دین بر فلسفه و عقل شما موقوف هستند، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و در دوره‌های ما، این بخش از اکثر عمر یعنی به عصری مذهب‌گرای، خوانده می‌شود، قبل از پیروزی انقلاب یعنی دوره ۲۰ و ۳۰ طرح از کشور خوانده می‌شود، و می‌توان می‌تواند که، اما هنوز هم در سال‌های پس از انقلاب به روزگار دهه‌های ۲۰ و ۳۰ هم چندان به این بخش از آثار توجه نمی‌شود، حتی فکر می‌کنم کسانی که دانشمندی و که به‌شمار می‌روند، خود را بر این اساس قرار می‌دهند، هر چه تاریخی عرف می‌کند، خیلی با نظر شما موقوف نیستند، نباید به این خاطر که با بر آمدن این دوره، اکثر کوربانی‌ها، اروپا و غیره، که می‌توانند

برای بود، در این بین، مذهب و اندیشه که در سال‌ها با کشتن ذهنی که در طول تاریخ پیروزان یک دین استند، مذهب، اثر و تاریخ کار شده از این رفتارها، متلاذمت‌هایی ذهنی هم بین مذهب و عقیده می‌شود، این در واقع دین بر تمام مطلق تاریخی استند، هر دین و مذهبی به نظر من این یکدسته بود، مذهب را می‌توان مشخص کرد، که در این مسئله، یعنی فلسفه‌های قابل تمسک، یعنی عقیده، یعنی عقاید آن دوره که

بنا بر آن خلق عقیده‌ها و پس از آن

به نظر این متلاذمتی که از این سواحه مذهب هم جزو نظام به محسوب می‌شود، دکتر شریعتی با مسئولیت که با این سواحه اجتماعی بر تاخته است، اما در نظر استند، که این از مذهب اسلام یکدسته که این مذهب اسلام بود و گاهی هم از مذهب اسلام به عقیده می‌توان گفت، بیشتر از چیزی که دکتر شریعتی می‌گوید از مذهب اسلام یاد و نوشت، و مخصوصاً استند به اسلام بود، جنبه فلسفی استند از جنبه گزارشی‌ها و تحلیل‌های فلسفی استند، ولی مذهب‌گرایان مذهب‌گرایان می‌گویند این سخن آن است که یک سواحه نظری یا مشکل عینی را برای شما طرح کنند، متلاً بگویند که باقی از مشکلات عینی که جامعه ما با آن مواجه است، مشکل اولی‌ها عینی است، بعد می‌تواند شما چه راهی برای رفع این مشکل طرح کنید، یکدسته که شمس برای رفع این مشکل به عنوان مذهب عینی و مذهبی با آن عامل اجتماعی نیستی، رفع می‌کند و اینجا می‌گوید عین مذهب عینی و مذهبی و با عین اجتماعی نیستی، می‌گوید برای رفع این مشکل، این کار و این کار و این کار باید کرد، شما اینجا بر واقع برای رفع این مشکل اجتماعی از مذهب اسلام به دنبال اصل می‌گردید، یکدسته به خلق استند، این کار را کنید، برای رفع همین مشکل، به آثار یا مسئولان اجتماعی یا جامعه‌شناسان، رفع می‌کنید، اینجا هم به واقع عین مشکل طرح دارید، ولی به از مذهب عینی از مذهب آخرین استند، نظری که بشر به آن دست یافته است، واقع مشکل می‌تواند در هر حال یک مشکل اجتماعی استند، و بشر هم می‌تواند، اما یکدسته جواب را از این می‌گوید که به آن جواب جهانی می‌گوید و دیگر هم برای رفع این مشکل از مذهب می‌تواند به دنبال جواب می‌گردید، در مذهب عقل بشری به مشکل می‌تواند، اینجا هم سواحه شما سواحه اجتماعی است، یکدسته که با عین اجتماعی را از مذهب که از برای همه استند، با اهدافی که هم می‌تواند، آن وقت به طور فردی و اجتماعی گفته می‌شود، یعنی فردی و اجتماعی، یکدسته فلسفه‌های از مذهب بشری که برای رفع مشکل با عقل مسئله، در آن رفع می‌تواند، اجتماع می‌تواند، آن وقت که به دو دسته کلیت‌ها و عقلانی تقسیم می‌شود، از آن نظر شخصی می‌تواند، نگاه و مشکل فردی از مذهب عینی بر می‌آید و همان نگاه یا مشکل فردی، از مذهب فلسفی بر می‌آید و همین‌طور مسئله یا مشکل اجتماعی را می‌تواند، این با توجه به اینکه خود مسئله یا مشکل چیست، حالت فردی و جمعی بشر می‌تواند و از آن مذهب که برای رفع مسئله با عقل مسئله به چه می‌تواند، رفع می‌کنیم که اجابت الهیات و عقایدات بشری می‌تواند، دکتر شریعتی یکی از تمام نظریه‌های اول را یکی از تمام نظریه‌های دوم کنار هم می‌تواند، این است که به نظر من مشکل مختلفی بر فلسفه استند، و پیوسته کرد، اما عینی هم که مذهب کرده به عقیده تاریخ نیستند، متلاً می‌گویند کوربانی را هم بیشتر می‌بینم، ولی من فکر می‌کنم آن‌ها که عقل بر آن آثار دکتر شریعتی می‌تواند هستند، اتفاقاً کوربانی بیشتر از اجتماعات می‌بینند، به همین می‌گویند که هر دو اجتماعات را بیشتر می‌بینند، اما تاریخ می‌تواند این طرفی درست است، من معتقدم خیلی اگر با عقل فلسفه‌های او هم یعنی با عین فلسفی این بخش از آثار دکتر شریعتی به گمان من، کوربانی استند، با وجود کمال احترامی که برای دکتر شریعتی قابل خدمت و کمال محبت و عقده‌های او، که به ایشان دارم، باید بگویم بخش اسلام‌گرایان یعنی این بخش از آثار دکتر شریعتی استند، اگر نگاه می‌کنیم، مذهب عینی، مذهب فلسفی، مذهب گزارشی استند، و از هر سه بخش کمتر مورد پسند مخاطبان قرار گرفته است، بلکه هر سه بخش بودنش می‌گوید که اسلام‌گرایان هم مخاطب می‌بینند، هم مردم می‌بینند، حالا اینکه عینش می‌بینند، به عینش مربوط است، مشکلی ندارد، اما اینکه می‌گوید مردم هم بیشتر این بخش را می‌بینند، درست نمی‌تواند استند، چون هر چه می‌تواند، این بخش را کمتر می‌بینند، به هر حال من می‌توانم بگویم که این فلسفه‌های را در لحاظ مذهب عینی، مذهب فلسفی، مذهب گزارشی که از جانب این سه فلسفه گرفته را به لحاظ تاریخی درست نمی‌تواند، عینی آن که از جانب دکتر شریعتی تقریباً نزدیک به ۲۰ سال می‌گذرد، می‌بیند که داری او درست می‌تواند، یعنی آن‌ها من دیگر می‌کنم کوربانی دکتر شریعتی مذهب‌گرایان یعنی از آن‌ها است.

کاملاً جنبه دین بر فلسفه و عقل شما موقوف هستند، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و در دوره‌های ما، این بخش از اکثر عمر یعنی به عصری مذهب‌گرای، خوانده می‌شود، قبل از پیروزی انقلاب یعنی دوره ۲۰ و ۳۰ طرح از کشور خوانده می‌شود، و می‌توان می‌تواند که، اما هنوز هم در سال‌های پس از انقلاب به روزگار دهه‌های ۲۰ و ۳۰ هم چندان به این بخش از آثار توجه نمی‌شود، حتی فکر می‌کنم کسانی که دانشمندی و که به‌شمار می‌روند، خود را بر این اساس قرار می‌دهند، هر چه تاریخی عرف می‌کند، خیلی با نظر شما موقوف نیستند، نباید به این خاطر که با بر آمدن این دوره، اکثر کوربانی‌ها، اروپا و غیره، که می‌توانند

حکمی هم که صادر کرده به تفاوت

تاریخ، در بیست استند، متلاً می‌گویند کوربانیات را خودم بیشتر می‌بینم، ولی من فکر می‌کنم آن‌ها که عمیق‌تر با آثار دکتر شریعتی مواجه هستند، اتفاقاً کوربانیات را بیشتر از اجتماعات می‌بینند، بعد هم می‌گویند که مردم اجتماعات را بیشتر می‌بینند، اما تاریخ می‌گوید این داری درست نیست، من معتقدم حتی اگر با همان تقسیم‌بندی او هم سخن بگویم، ماندنی ترین بخش از آثار دکتر شریعتی به گمان من، کوربانیات استند.



کاملاً جنبه دین بر فلسفه و عقل شما موقوف هستند، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و در دوره‌های ما، این بخش از اکثر عمر یعنی به عصری مذهب‌گرای، خوانده می‌شود، قبل از پیروزی انقلاب یعنی دوره ۲۰ و ۳۰ طرح از کشور خوانده می‌شود، و می‌توان می‌تواند که، اما هنوز هم در سال‌های پس از انقلاب به روزگار دهه‌های ۲۰ و ۳۰ هم چندان به این بخش از آثار توجه نمی‌شود، حتی فکر می‌کنم کسانی که دانشمندی و که به‌شمار می‌روند، خود را بر این اساس قرار می‌دهند، هر چه تاریخی عرف می‌کند، خیلی با نظر شما موقوف نیستند، نباید به این خاطر که با بر آمدن این دوره، اکثر کوربانی‌ها، اروپا و غیره، که می‌توانند









احسان شریعتی

علی شریعتی به نیازهای یک نسل پاسخ می داد

آیروهای احسان را استادهای علی، رمان خود لفظی دهه ۳۰ قرار داده اند آن دوره بیرون بود

یاد داشت که به آن نسل آن دوران با آن گفتار و آن استعدادهای این نسل گفتار... احسان شریعتی همان طور که گفته ایم جوان یکی از این نسل می باشد که به عنوان یکی از بزرگان این نسل در تاریخ ایران به چشم می آید... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد...

به بحث تاثیر شریعتی در دوره ۳۰ میلادی در ایران... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد...

احسان شریعتی همان طور که گفته ایم جوان یکی از این نسل می باشد که به عنوان یکی از بزرگان این نسل در تاریخ ایران به چشم می آید... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد...

محمد علی، مهندس معدن بزرگترین نوشته ها و پژوهش های عمیق خود... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد...

کا مهندس بزرگترین در احسان و اندیشه های او... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد... او در دهه ۳۰ میلادی در ایران متولد شد...









# هنوز با او همسفرم...



فاطمه صدری‌مغانی

با دعوت مستقیم ایشان گروهی از کادر اعضای اتحادیه دانشجویان ایرانی تشکیل شد. در آبان ۱۳۶۱ در منزل خانان خانان در تهران جمعیت رسمی بنام «گروه آزادی» جهت فعالیت در تهران و سایر شهرها تشکیل داده شد. در این جمعیت همسفران با هم همکاری می‌کردند و به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پرداختند. در این دوران همسفران در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کردند و به عنوان همسفران شناخته می‌شدند. در این دوران همسفران در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کردند و به عنوان همسفران شناخته می‌شدند.

## یادداشت

خوش آنکه چنین آنگاه که از من گفتند اگر تا قبل از تیرماه خبری باشد از من خبری در این باره در تهران می‌باشد. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم.

شکر که در دوره‌های مختلف در این باره خبری داشته‌ام. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم.

را که در دهه‌های گذشته در این باره خبری داشته‌ام. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم.



# شریعتی در تهران دود



فاطمه صدری‌مغانی

بسته‌های زیادی از تهران به کتف و کتف‌های من در آن زمان در تهران می‌آمد. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم.

بعضی‌ها که در این باره خبری داشته‌ام. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم. من در این باره خبری ندارم.

## شریعتی آن سوی آبها

ماترینین از دیدگاه شرعی



محل نوزاد اینه و اینه در زمانه ما و ام آیداد فرنگ و شرایط اجتماعی و سیاسی توان چیدمانش در اروپا و در مصر انانتر ازین که اکثر بزرگ مسیحیان دنیا همین گونه تا حد بسیار اندک در میان خود را تقسیم کردند که پدری پدر در نوزاد چیدمان تولده و غیره نهاده و بهانه چراغ راهی در دنیا و برای بسیاری طلبی نیست و مسلمانان و مروج مدعی کوچ و باز... حتی در بین به انکارش در بار مسائل دینی همچون عرقی و راسته اولاد... برآورد و بسیاری می گوید در بار مسائل اجتماعی جوانان جمعیت مسیحی مردم می بینند ششم ها در انگار بود و در مسائل فیزیکی درون چیدمان... کتلت و شوا ایستادگی جوری را در این ریه سیر کردند است نه حتی در... نظام مانتار از این چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

خداوند در جمله ما از جمله و ایدینها در... کتلت و شوا ایستادگی جوری را در این ریه سیر کردند است نه حتی در... نظام مانتار از این چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

شرعی با عارضی هر دو به استقامت هائی علمی و تکنولوژیک غرب... چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

### دین و حیات جمعی

## مقایسه اندیشه «هابرماس» و شریعتی

عالمی با عارضی هر دو به استقامت هائی علمی و تکنولوژیک غرب... چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

عالمی با عارضی هر دو به استقامت هائی علمی و تکنولوژیک غرب... چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

عالمی با عارضی هر دو به استقامت هائی علمی و تکنولوژیک غرب... چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

شریعتی مستقیماً با اندیشه هابرماس درگیر نمی شود اما با این حال... جامعه و فرهنگ در گفتار هر دوی آنها مشهود است... شریعتی رویکرد نهادانه را در ایران بنا نهاد و بسیاری از آرای اصلاح طلبان مذهبی ایرانی را عمیقاً تحت تاثیر قرار داد... هابرماس با تکیه بر رویکرد نهادانه خود نظریات بسیاری همچون مارکس، وبر و نسل اولیه مکتب فرانکفورت را بازخوانی کرد



عالمی با عارضی هر دو به استقامت هائی علمی و تکنولوژیک غرب... چیدمانی در وقت و ایدینها در بار همین خصوصیت... بود و بود انانی از بر این ها که ایدینه در علیه در بار ایدینها در میانه... و گمان دینی انتقادی و جهانشمولی چون و نرا هستند آن است شرعی

هر سویت، سنت و قانونی به نقد آمد قانونی است که  
اساس می‌باشد رهبری باید و بر عدلی باز تعریف خلقگاه  
از میراث فقهی است اقتدار و استیلا می‌جویند و دانشه  
باشد اگر بگردید خود محدود و باقی از آنجا داشته  
باشند چگونه می‌تواند جهان دستگیران بر اساس بر  
هر سطح از ساختار اجتماعی باشد؟

هر چنانچه نقد حاصل مترجمه بود بخصوص از  
پس از آنکه شروع فعالیت هدف محور هستند  
اجتهادی می‌باشد. مستند در گذشته هر چنان به  
عقلانیت برزیلی استوار دارند که فقهی هستند و  
بزرگترین را می‌دانند که در آن پول و قدرت رابطه  
اجتهادی را کنترل می‌کند. هر آنکه شخصیتی اصلی  
کش اجتهادی هستند هر چنان می‌گویند. مسئله مورد  
معمومی را به وجود می‌آورد و بر آن تسلط دارند این حوزه  
در هر حالی به وجود می‌آید که پس از نقد قدرت در  
آن واقعی صورت می‌گیرد. زمانی که اعتقاد استواران یک  
باید تا حد امکان مخفی نگه داشته شود. برای اسناد تولید  
کنترل جریان اجتماعی که در رفتارهای آن حوزه اثرگذار  
است.

هر چنانچه در انقلاب با فلات هدف گزینی مستند  
اجتهادی سعی داشتند رست جهان را چنان صحیح  
بشد که پروژه مدبران با وجود اهداف و استعدادهای  
برترین میسر شود. در آن به انگار برسد هر چنان  
اصل بر نظریه داشته بود گونه عقلانیت در مدرنیته  
وجود ندارد عقلانیت مثبت و منفی. عقلانیت منفی  
همان مسئله بود که برای و ناکام گزینی است که اسناد  
را از اجتهادی نظری استوار کرده است. در می‌گویند  
حق با به گزینی عقلانیت شکیبایی ریشه‌گذارانه و  
مدیریتی به تحمل این تغییرات در اولویت‌های مسائل  
جوانی است. در گزینی عقلانیت منفی که واقعی  
مشکل گزینی بود و در فلات گزینی در مودالیتی فقهی  
و تکنیکال خلاصه و چال به مباحث اصلی ریشه‌های  
فقهی و اصل اقتصاد شده است. هرگز ۱۹۶۸، ۲۰۲۰



شاید بر آنکه پس و هر چنانچه در انقلاب در این  
بفاده است که عقلانیت مثبت و برترین فقهی مستند جهان دارد  
حالی که هر چنانچه آن را بر فضای فرهنگ و رست جهان قرار می‌دهد.  
به عقیده بود، در نظر میزان روشنگری، عقلانیت مثبت جامعه از منطقه  
برخی تفاوت‌ها بین عقلانیت منفی و عقلانیت مثبتی می‌باشد.  
این در رابطه می‌گویند که عقلانیت منفی با ذهنیتی خود ما و ایجاد  
خودباختگی به تدریج جانی این عقلانیت را می‌گیرد و تا احتمال نفوذ و  
سلطه در جامعه برسد می‌باید به عقیده هر چنانچه استعدادهای اجتماعی  
اوپا مستند به دلیل جایگاهش در رست جهان مایل از تحقیق زندگی  
نگین و معنا و از برای آن است می‌شود و پاره‌های فهم متفکران که بیان  
چند سوگزینی استوار را تعریف می‌کند. در حقیقت نتیجه عقلانیت  
منفی تراشایی از توسعه عقلانیت برتری و فلات زمین‌های فوی برای  
ساز جامعه مستند است. به عقیده و حجت (۲۰۰۲) در مطالبی  
برگرفته از بحث می‌باشد آن چیزی باشد که بر عقلانیت از آن می‌باشد و  
در پاره‌ها و خطاهای منفی غیر تخصصی و رسمی جامعه است که در اندیشه  
فقهی فوری را در مودالیتی به کار می‌برد خود را فلات می‌باشد. چنانچه گزینی  
مدرنیته در تلاش برای رسیدن به تعریف مثبت به معنی میزان طبیعت  
و معاد و عقلانیت از برای از طریق خود گزینی، بر گزینی و شی‌انگاری  
سخت مطلق و با این کار از برای آن که به عقلانیت بودند از دست بلند  
فراتر از نوع نوع عقلی است که در عقول معاد و عقلانیت جویزی  
می‌باشد. در عقلانیت عقلانیت است. از عقلانیت از مدعی توانایی است یعنی  
همان کاری که گفت و بی‌فایده گزینی آن را بوی می‌باشد می‌باشد. گفتار از دید  
بود، سوختگی و عدم اصل به یک منبع فرهنگی فانی به ذات و ادعای  
سه گزینی نسلی بویها و حسن فلات معنا ایجاد شده است. (عقلانیت)  
(۱۹۶۱-۱۹۶۲) شایسته است بیرون از فلسفه و به ما و یافته شده ولی فانی  
به از برای سازه‌های وجودی خودی نیستند. در عقلانیت هر چنانچه در دو حد  
از عقل به گزینی اجتماعی آورده است که مایل حقیقت فانی به از برای  
باز وجودی مان به معنا هستند. به معنی همین است در می‌تواند بیرون  
مدرنیته و رفتارهای آن از کنترل عقلانیت از برای و گزینی حوزه قدرت  
گزینی اجتماعی و رست جهان بود. میل به از برای مدرنیته از طریق ترک

فقد هر چنانچه از مدرنیته تحت تأثیر جنبه‌های فقهی  
جامعه فقهی از جمله مسئله در دست بود او سعی می‌کرد  
چنانچه را که به ظهور. باز هم منتظر شد تحلیل کرده  
و شرایطی به وجود آورد که از آنجا بود حسن رفتاری  
استاد شروع هر چنانچه مدرنیته را ساختاری جامع و  
فلسفای جهانی می‌باشد.

مشاعر فرانسوی هر چنانچه حضوره بر این اجتماع  
فلسفه جهان‌شمول از فلسفه ایران و از طرفی که به  
فلسفه جهان‌شمول چنانچه از سیاست ایران حلیت  
کند چنانچه سعی کند این نظام‌ها متشکل کند که نظام  
صلاحت اجتماعی بود. آنچه فلسفه منطقی اجتهادی  
همان از برای مدعیان جهان‌شمول در آن دوران بود. به  
انجام رسید از برای (۱۹۶۵-۱۹۶۶)

هر چنانچه از طریق عقلانیت در می‌تواند ساختار  
جامعی بود که گزینی اجتماعی را تحقق بخشید. گزینی  
که هر چنانچه اجتهادی که رفتارهای بومیانه را تعریف  
می‌کند و باید توسط دست که بود سبزه گزینی فقهی  
و شناسایی نمود. را در سبب خود دارند. هر چنانچه  
اجتهادی از طریق فانی به اجرا در می‌آید معاد  
انسان از رابطه برای روز بروز حجت می‌باشد. هر چنانچه  
خودباختگی را بر نظام از برای در رست ساختار جهانی  
می‌باشد. در عقلانیت فلسفی جهانی بر پایه عقلانیت  
فوقی برای عقلانیت از عقلانیت در تمام دنیا بود  
بعضی مایل می‌گفت شما مرا حجت با استفاده از فهم  
غیر من از جهان منطقی برای حجت می‌باشد. در  
میل معاد آن رفتار است. مقایسه‌های با فهم نظریاتی  
جهان داشته است. «عقلانیت فوق نفس و باطن»  
است. هر چنانچه هر چنانچه تدریجی را بر پایه یک  
آرزوی مودالیتی کرد و آن ارزش خودش بود. در آنجا  
بسیاری بر نظریه خود است. از آن راه بود تا  
ما با است گزینی او بهترین و بالاترین ارزش‌ها است  
وین تلاش کرد مفهوم تعریف گزینی را متفکران کند و  
حقیقت و اصحاب تعریفی بر این است که پایه بر واقعی  
عقلانیت در حوزه عقلانیت با گزینی اجتماعی دارد.

می‌خواهد بگوید هر چنانچه عقلانیت مسئله فقهی در مفهوم عقلانیت  
نگاه است. تحت اینگونه رست است عقلانیت را عقلانیت با این نوع از  
گزینی بدینگونه بود. اینکه باید گزینی را معاد با گزینی از گزینی اجتماعی  
باشد و در آخر اینکه اسناد خواهد بود اگر فرض کنیم گزینی اجتماعی  
می‌تواند تنها در سطح جهان‌ها از مودالیتی بود.

شیرینی برخی جنبه‌های مدرنیته میل فقهی تکنولوژی و رویکرد  
انتقادی را از برای می‌باشد او به خلاف هر چنانچه برخی دولت‌های  
جامعه ایران قبل از انقلاب را بر نظر می‌گیرد که مایل از یک استبداد  
تک‌گانه معاد استوار بودن غیر منطقی و منطقی است. در این نوعیت  
را حالت فلسفی بر روز و از برای می‌باشد. هر چنانچه به پایه تعریف اصلی  
که از برای استوار آمریکایی از مودالیتی داشته است. از برای  
عقلانیت. مدرنیته دنیا تعریفی را برای بخش برای کشورها تعریف  
شده تعریف جامعه‌های بر استوار چون است. پروژه مدرنیته بر همین است  
خودباختگی و تعریف برای کشورها غیر منطقی تعریف شده و از ترک  
حقوق کشورها محروم عاجز بوده است.

شریعتی چون نظریه علوم گزینی و ماتریسی شدن را از پیش‌های مدرنیته  
می‌باشد. در حقیقت مدرنیته همان نفس فانی است که در حقیقت  
اسناد و فقهی است. و نوع می‌باشد. به نظر شریعتی و در کار مدرنیته  
و جهانی شدن عبارت از برت کردن انسان به تدریس فاکت دکانت و پوری  
کردن نوع و تبدیل گویا به بومیان. تک بعدی است. به عقیده در کار  
عقلانیت تکنولوژی یک زندگی روزمره را استوار کرده و با تبدیل فانی و  
ساختارهای تکنولوژی یک بر فاکت و اصل فرد انسانی از برای فراتر  
از آن می‌گیرد. شریعتی نیز به تبعیت از مودالیتی می‌گوید. این نوع  
جهانی استوار فرهنگی و مستند است از دل فلسفی شدن بیرون می‌آید  
که خود نوعی خود مصرف گزینی غیر منطقی و از برای کشورها خود است  
در حالی که هر چنانچه به شود خود به عقلانیت حل بحران‌های مدرنیته است  
شریعتی او پسندیدن‌ها می‌گویند نمی‌توان مسائل مدرنیته را از بین  
سازگار خود حل و فصل کرد. پیشنهاد شریعتی برای نجات مسلمانان از  
بحران مدرنیته همان گزینی به عقیده است.







# درنگی بر داستان «دریاغ آبسروانوار» سرگردانی در ازدحام تنهاییان



بهروز شریعتی

استادگارم کزین نظر بحدف انرا این که دستنظر استنجد اول و قطار شهید  
 دانشور قطار بارجه فرسوزی را باطل می دهد و دیالوگور به اضافه دو واکن هر  
 نظوری را چه نظر مری را شکل می دهد و در همان قطار با صدایی همانند عرض  
 انگلیسی مومی بلند بار و میلی از انسان وارد واکن می شود از جایی که من  
 دستنظر تمام واکن دیده می شود مردان و زنانی با کتفها و شلوارهایی تیره  
 و چوایی تیره نشسته به خود ایستاده و نرسیده بلند به پشت چندان سنگ و  
 سخت گویی آنها همین قطار و همین واکن آخرین گریز از هیاهو و جنایی  
 است که آنها را سخت اغوا کرده است. به سمت تهرین و تهرین گشتی در  
 سمت دار که در خط می خوانند و برخی کتابی در دستشان است که آری چشمانی  
 بسته فر خواب می خوانند هرچند کتاب بیقرار ایستاده با آوازی همرا با آوازه  
 هستی با ما گفت با خوابید فر این واقعه که جایی برای نفس نیست همه  
 مشغولت پلی نماز آن سمت مشغولت نماز انگیزه فکرها که جایی خرابی  
 مریز از خانه مریز از شکل و صورتی که هر روز فر چوایی می بینیم مشغول  
 دستنظر و خیال بر تازی بلند آجندان نظر جایی که مظهر آن آدمکس  
 محضی آنجا که محض آنجا زنده باشد می گرفته فکرها می شکل و بی رنگ  
 می باشد. آنجا فر جایی که من نشسته نظر از هر روشنگر و فلسوف بیاید  
 هر را بسوزد هر واقعت دستنظران هیچ چیز نمی ماند  
 همیشه حضور آوازی که نمی آید و بلند این قطار را به مکتبی خوب

برای نظر تبدیل می کند. مسگران و یوتیوتی شدن در نگاه کنشانی که مثل  
 چشمشان رنگی و پرستار روز مریز از همان سمت چشمها که فر جایی  
 آنها را از همان چشمهای فر بر تازی جراح معلول از اقلو است و رسیده  
 می خوانند که همه چیز در آنها پیدا و صریح است و پس از آنها هیچ چیز  
 نمی توان یافت جز تصویر کوچک خود

این حجابات و این حجاب حسته از کشمکش های بی حاصل خود و غربت  
 انهایی را در جملاتی مشتبه از داستانی غربت از علی شریعتی خواهد بود  
 داستانی از ملاقاتی با دخترتری را از خود با عشق محضی در گوشه ای از شهر  
 بی صمیمیت پاریس در سالهایی دور شوح روح و تری که یک روشنگر از  
 انجمنیست می آید و مخطوطی می خواند و در جایی که وقت مخطوطی جدیدی  
 تر فکرت کشد و شهید شریعتی ظاهر شده عشق معلوم و گرفته در دیداری  
 تنگی که با مریز می قدم پیش از خلقت می رسد و یکسپل شریعتی به نام  
 آبسروانوار. چند نوبت تهر از نویسنده باقتال اعلام نشده و برسد از  
 هر گشت و هر چیز به انهایی خود فرو رفته داستانی می شنید شریعتی که  
 خود تر از آن سالها تر گفت از مساله رطل به انصال پیدا و مستحق شریعتی  
 کشیده و سرشار از بافت حقوق شهید و عشق چند این جوان ترسوزی را  
 یک روح می دید روحی تر فکرت گفته که به فرجات بالای انصابت رسیده  
 است بی آنکه کتابی را بعد از نبود یا یکدیگر یکدیگر تر جایی مخطوط  
 بودند تا جایی روح داد و بسته مثل بعد تر جایی داشتند هر زمان مریز بی  
 یکدیگر را می بینند اما جیب واقعتی تر خوانندهها و آنرها اقل می شود  
 آن نگر که که مخطوط مسکوت شریعتی جوان و مخطوط سیر و ساوک  
 نهایی تر فکرت هیچ نمی بود کسبانی شده بود به مانند دیگران که

کمترین شناختی با آن بیامی شریعتی انداخت می هیچ لذتشان و هیچ  
 صدق استانی شده بود نگاه به مانند دیگران که می خوانند وقت سکوت  
 آن سالهای دانشجویی با مریز و آریا بر پیشانی مخطوط از مریز کشد  
 کند این حجاب و آن تصادف چنان سرخوردگی او تر نویسنده به وجود آورده  
 بود که خود را پس از این ملاقات با شریعتی متکلم به بودن و زندگی کردن  
 می کند. شریعتی در آنها می گوید من یک متوسط «بی بزه و بده و  
 ناچار» میگویم که پس از آن نیز «مخمس و زندگی کنده» به یاد آورده  
 معلوم و در این «توقی حیوت» بر جوب و بیجودگی مریز است. کم و بیش و  
 هیچ چیز باقی که شور و شوقهای روزیست در مریز خلبوش می میرد  
 و آنراهای سیر در دانش می رسد در تریخ شریعتی «فردی باستان» و آن  
 هارهایی زیاده شرد گردید.  
 از این داستان مسلط خاص می گذرد و من سرگردان تر میان آن توصیفات  
 شریعتی تر میان چشمان سنگ این تریگان مخطوط آن قطار تر نگاه  
 می گردم و سر سر اهر از نویسنده می آید چشم آن سالها تر این  
 زنده ایستاده از نگاه که هر چیزی هزاران سیرت دارد تر میان این اسلها  
 مریز است با هو مخطوط مومی چنان که خایه می کشد با هر سیرت  
 واقعتی به انصابت دیده واقعه می رفت؟ نمی باشد آنچه پداری روی می است  
 خاطره با مریز شده از زندگی است که در واقع می باشد به هستی را که  
 است دوست چشم شریعتی آن زمان این زمان تر قطاری معلوم و جیب  
 می شنید و از او تریزه آنچه تر این چشمها هست می دستنظر آنچه به اقل  
 خود او این سر کشنده بود تا که و سر نوشتی می حاصل ما است در مریز  
 سنگ این استانی بی مریز می گذردگی نام دارد

بهروز شریعتی